

آخرین سرنخ

آدمیزاد؛ این موجود عجیب...

یکی از علائق تمامی اهل کتاب، داستان‌هایی است مبتنی بر واقعیت که در آن چاشنی هیجان نیز بر جذابیت کار افزوده باشد. این گونه داستان‌ها به ویژه آن هنگام که به مسائل پلیسی و اتفاقات جنایی می‌پردازند به دلیل موقعیت‌های خاص ایجاد شده برای شخصیت‌های داستانی، می‌توانند منجر به کسب تجربه برای خواننده نیز باشند. کسب تجربه از حوادثی که برای دیگران ناگوار و تلخ بوده است.

در واقع برای خود من جذابیت داستان‌های پلیسی و جنایی بر این موضوع است که گاهی انسان (یا به قول به برخی، این موجود دوپا!) در موقعیت‌های مختلف چه عکس‌العمل‌هایی که نشان نمی‌دهد. عکس‌العمل‌هایی که گاهی در مخیله هیچ کس نمی‌گنجد. حتی گاهی توجه به برنامه‌ریزی‌های آدمی که بر مبنای منفعت‌طلبی، سودجویی، حس انتقام جویی و یا دلایلی از این دست انجام می‌پذیرد خواننده را به شگفتی وامیدارد.

در برخی موارد هم یک حس تملک عاشقانه، منشاء حرکاتی میشود که گاه تا مرز جنایت نیز پیش می‌رود. حسی که شخص خود را در رابطه با دیگری عاشق می‌پندارد و در این به اصطلاح عشق تا آنجا پیش می‌رود که جمع حسادت و تنفر به حس تملک عشق و جمله «یا من، یا هیچ کس» می‌انجامد و به حوادثی منجر میشود که تمامی ما روایت‌هایی از آن را شنیده‌ایم.

کتاب حاضر مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه بر پایه حوادث پلیسی و جنایی است که از میان چندین کتاب انتخاب و برای اولین بار به فارسی ترجمه و منتشر می‌گردد. نویسندگان داستان‌ها علاوه بر داشتن داستان‌هایی جذاب، یک خصوصیت دیگر را نیز رعایت کرده‌اند که همانا «ایجاز» و بیان داستان در حداقل سطرهاست. در واقع خواننده با دنبال کردن هر داستان متوجه این مطلب می‌شود که اصل و پی‌رنگ داستان به گونه‌ای است که شاید بتواند به یک کتاب یا داستان چند ده صفحه‌ای و یا سوژه‌ای برای یک فیلم پلیسی - جنایی مبدل گردد ولی این نویسندگان - که همگی در این زمینه صاحب نام هستند - با محدود کردن صفحات به داستان‌هایی کوتاه و اثرگذار رسیده‌اند. در پایان ضمن آن که به مورد تایید قرار گرفتن کتاب برای خوانندگان ابراز امیدواری می‌کنم، به ترجمه خوب و روان کار هم تاکید می‌ورزم که می‌تواند در جلب و جذب مخاطب مؤثر افتد. تا یک تجربه دیگر...

بهمن رحیمی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ - تهران